

(۷) آیه ۱۰ سوره تحریم:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَّامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِن عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ»

ترجمه:

«خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده صالح از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو پیامبر سودی به حالشان نداشت، و به آنها گفته شد: «همراه کسانی که وارد آتش می‌شوند، وارد شوید!»

ما می‌گوییم:

۱. غزالی و فیض می‌نویسند که:

«قیل كانت امرأة لوط تخبر بالضيفان و امرأة نوح كانت تخبر انه مجنون»^۱

۲. به نظر می‌رسد که این آیه ربطی به بحث نیمه ندارد چرا که زنان پیامبران مطابق این قول، افشای سر می‌کرده (دو مهمان لوط را لو داده است) و نسبت ناروا به نوح می‌داده است.

(۸) آیه ۸۵ سوره نساء:

«مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا»

ترجمه:

«کسی که شفاعت [تشویق و کمک] برای کار نیکی کند، سهمی از آن برای او خواهد بود؛ و کسی که شفاعت برای کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت. و خداوند، حساب هر چیز را نگه می‌دارد.»

ما می‌گوییم:

۱. مجمع البیان در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«قیل فيه أقوال (أحدها) إن معناه من يصلح بين اثنين «يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا» أي يكن له أجر منها «وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً» أي يمشى بالنميمة «يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا» أي إثم منها عن الكلبي عن ابن عباس»^۲

۱. المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۲۷۵؛ احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۲۶۳

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن - ط دار المعرفة، ج ۳، ص ۱۲۹



چهار روایات:

روایات مربوط به نامی بسیار است که از بسیاری از آن ها حرمت مؤکد این عمل قابل استفاده است.

۱. عن رسول الله (ص): «ایاکم و النمیمة»^۱

۲. عن رسول الله (ص): «ایاکم و العضة: النمیمة القالة بین الناس»^۲

[نمیمة و خبرکشی بین مردم]

ما می گوئیم:

۱- «عضه» در برخی منابع به معنای بهتان و دروغ دانسته شده است.^۳ ولی در احادیث از پیامبر (ص)،

روایتی است که حضرت آن را به نمیمة تفسیر کرده اند. چنانکه در مورد دیگری می فرمایند: «الا

أنتنکم ما العضة؟ هی النمیمة القالة بین الناس»^۴

۲- مطابق نقل اهل سنت، پیامبر (ص) در شروطی که برای بیعت با مسلمانان قرار داده اند، با این ایشان

شرط کرده است که «لا یعضه بعضکم بعضا»^۵

۳. غرر الحکم عن امیر المومنین (ع): «ایاکم و النمیمة، فانها تزرع الضغينة و تُبَعَّدُ عن الله و الناس»^۶

[ضغینه: کینه]

ما می گوئیم:

۱- سابقاً گفتیم که اگر نواهی همراه با اثر وضعی عملی بیان شود ظهور در ارشادی بودن دارد.

۲- تعبیر «دوری از خدا» هم با کراهت سازگار است.

۴. کنز الکراچکی عن امیر المومنین (ع):

مجلسی در روایتی طولانی، دستوراتی را از حضرت امیر نقل می کنند که در بخشی از آن حضرت

می فرمایند: «ایاکم و النمائم، فانها تورث الضقائن»^۷

ما می گوئیم:

۱- آنچه ذیل حدیث قبل آوردیم، در این مورد هم قابل طرح است.

۱. کنز العمال، حدیث ۸۳۵۴

۲. همان، حدیث ۸۳۴۸

۳. النهایة (ابن اثیر)، ج ۳، ص ۲۵۴

۴. صحیح مسلم، حدیث ۲۶۰۶، به نقل از میزان الحکمه

۵. النهایة (ابن اثیر)، ج ۳، ص ۲۵۴، به نقل از میزان الحکمه

۶. غرر الحکم، حدیث ۲۶۶۳

۷. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۹۳



۲- در این روایت، دستورات دیگری هم از حضرت موجود است که قطعاً الزامی نیست مثل اینکه حضرت امر به دوری از مردم و سکوت و ... می کنند.

۵. كشف الغمة عن الصادق(ع):

اربلی در كشف الغمة، روایتی را نقل می کند که در آن «بعض اصحابه» می گوید:

«دخلت علی جعفر وموسی ولده بین یدیه وهو یوصیه بهذه الوصیة فکان مما حفظت منه أن

قال یا بنی احفظ وصیتی واحفظ مقالتي فانک ان حفظتها تعش سعیدا وتمت حمیدا»^۱

در ضمن این وصایا (که نوعاً اخلاقی است و الزامی نیست) می فرمایند: «ایاک و النمیمه فانها تزرع

الشحناء فی قلوب الرجال»^۲

[شحناء: دشمنی]

ما می گوئیم:

آنچه ذیل روایت قبل آوردیم، در این مورد هم قابل طرح است.

۶. رسالة الغیبة عن الصادق(ع):

علامه مجلسی از رسالة الغیبه نوشته شهید ثانی، «باسناده عن ابن قولویه عن سعد بن عبد الله عن احمد

بن محمد بن عیسی عن ابیه عن عبد الله بن سلیمان نوفلی»، نقل می کند.

نوفلی می گوید که، در خدمت حضرت بوده است که نامه ای از عبد الله نجاشی خدمت امام صادق (ع)

رسیده بود. در آن نامه نجاشی گفته بود که والی اهواز شده است و از حضرت تقاضای سفارش کرده

بود.

مطابق نقل نوفلی، امام صادق (ع)، مطلبی را در پاسخ به او می فرمایند که در ضمن آن چنین آورده

است:

«ایاک والسعاة وأهل النمائ فلا يلتزقن منهم بک أحد ولا یراک الله یوما ولا لیلة وأنت تقبل

منهم صرفا ولا عدلا فیسخط الله علیک، ویهتک سترک»^۳

[سعاة: سعایت کنندگان / التزق: لغزاندن / ... صرفاً و لا عدلاً: اظهار نظری یا دخالتی را پذیرفته باشی /

چرا که خدا بر تو غضب می کند و آبرویت را می برد]

۱. كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۷۰

۲. همان

۳. بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، ج ۷۲، ص ۳۶۱



- ۱- سند و دلالت روایت تمام است.
- ۲- موضوع در روایت اگر چه حاکم است و روشن است که سعایت در نزد حاکم می تواند دارای موضوعیت باشد ولی می تواند به الغاء خصوصیت قائل شد.
۷. خصال عن رسول الله (ص):

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْوَشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَالسُّؤَالَ فَإِنَّهُ ذُلٌّ حَاضِرٌ وَفَقْرٌ تَتَعَجَّلُهُ وَفِيهِ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا أَبَا ذَرٍّ تَعِيشُ وَحَدَكُ وَتَمُوتُ وَحَدَكُ وَتَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَحَدَكُ يَسْعُدُ بِكَ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ يَتَوَلَّوْنَ غُسْلَكَ وَتَجْهِيْزَكَ وَدَفْنَكَ يَا أَبَا ذَرٍّ لَا تَسْأَلُ بِكَفِّكَ وَإِنْ أَتَاكَ شَيْءٌ فَاقْبَلْهُ ثُمَّ قَالَ ع لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْمَشَاءُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ الْبَاغُونَ لِلْبُرَاءِ الْعَيْبَةُ»^۱

ترجمه:

«علی بن ابی طالب (ع) فرمود: رسول خدا (ص) بابی ذر (خدایش رحمت کند) فرمود: ای ابا ذر مبادا سؤال کنی که خواری و زبونی برای خویشتن آماده کنی و به تنگدستی و نیازمندی هر چه زودتر خواهی رسید و در روز رستاخیز دامنه حساب سؤال دراز است ای ابا ذر تو به تنهایی زندگی میکنی و به تنهایی خواهی مرد و به تنهایی وارد بهشت میشوی و جمعی از اهل عراق از برکات وجود تو سعادت مند میشوند آنان بدن تو را پس از مرگ بشویند و کفن کنند و بخاک بسپارند.

ای ابا ذر دست گدائی دراز مکن ولی اگر چیزی بتو رسید آن را بپذیر.

سپس رسول خدا روی باصحاب کرد و فرمود: هان بگویم بشما که بدترین شما کیانند؟ عرض کردند: بفرمائید یا رسول الله، فرمود: آنان که برای سخن چینی قدم بر میدارند و میان دوستان جدائی میافکنند و برای افراد پاک دامن، عیب جوئی میکنند.»^۲

۱. الخصال، ج ۱، ص ۱۸۲

۲. ترجمه فهری، ج ۱، ص ۲۰۰

